

گستره دریای پارس

● سجاد برزگر

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی تهران



■ جغرافیای خلیج فارس

■ دکتر بهرام آزادبخت، دکتر سیمین ارمنان

■ تهران، نشر آبیژن، پاییز ۱۳۸۸، چاپ اول، تعداد صفحات: ۱۸۵

چکیده

کتاب «جغرافیای خلیج فارس» کوشش تازه‌ای است برای شناخت علمی و گسترده‌ی این دریای کهن‌سال ایرانی و نقشی که هزاران سال در پرورش تمدن انسانی و مبادله فرهنگ و تجارت شرق و غرب داشته است. این کتاب کوشیده است یکی از گام‌های اولیه را برای گشودن راه شناخت و تحقیق خلیج فارس و گذشته و حال ملل پیرامون آن و تمدن ایشان و نقش برتری که ایرانیان همواره در محیط دریای مزبور داشته‌اند و همچنین آشنایی با جنبه دریاشناسی و منابع دریایی آن و اثر آنرا در محیط زیست آینده هموار سازد.

واژگان کلیدی: ایران، خلیج فارس، جغرافیای طبیعی، جغرافیای تاریخی.

مقدمه

خلیج فارس دریای پرچوش و خروشی که مرزهای جنوبی و جنوب غربی ایران را در بر گرفته است. آب‌های جنوب ایران از دریای سرخ تا کرانه‌های سند در پاکستان، در آثار تاریخی و جغرافیایی، دریای پارس نامیده شده است. بخشی از این آب‌ها، که از تنگه هرموز به سوی باختر تا پیوستن گاه اروندرود و بهمن شیر کشیده شده است، خلیج فارس نام دارد، و بخش دیگر، که از تنگه هرموز به سوی خاور تا پیوستگاه رود سند ادامه دارد، دریای مکران یا دریای عمان نامیده می‌شود.

خلیج فارس کهن‌ترین دریایی است، که انسان شناخته است، ساکنان پیرامون آن نخستین انسان‌هایی بوده‌اند، که با هنر دریانوردی آشنا شده و به کشتی‌رانی پرداخته‌اند و دریانوردی و دست یافتن به این راه آبی، سبب پیدایی و رشد فرهنگ، بازرگانی دریایی و پیدایی امپراتوری‌های: عیلام، آکاد، سومر، کلد، بابل، آشور، ماد و پارس شد.

خلیج فارس از باستان تا امروز، همواره یکی از مهم‌ترین راه‌های دریایی جهان چه به لحاظ اقتصادی و چه به لحاظ انتقال فرهنگ‌های سرزمین‌های گوناگون، بوده است. همچنین به خاطر قرار گرفتن بر سر راه‌های بزرگ بازرگانی بین باختر و خاور، برخوردار از جایگاه استراتژیک و نیز به عنوان یکی از نقاط برخورد فرهنگ‌های بزرگ جهان، همیشه برای کشورهای بزرگ و استعمارگر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. «جغرافیای خلیج فارس» عنوان کتاب تازه تألیفی است که از منظر جغرافیای طبیعی و انسانی این موضوع با اهمیت را مورد چالش قرار داده است. کتاب جغرافیای خلیج فارس در چهار فصل توسط دکتر بهرام آزادبخت و دکتر سیمین ارمنان؛ اعضاء هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری نگارش و تدوین یافته است.

معرفی کتاب

فصل اول؛ ویژگی‌های طبیعی خلیج فارس؛ این فصل درباب «ویژگی‌های طبیعی خلیج فارس» است و مؤلفین از منظر جغرافیای طبیعی به بررسی و معرفی خلیج فارس پرداخته‌اند. مطالبی که در این فصل گنجانده شده در برگیرنده: مشخصات زمین‌شناسی، مشخصات دریایی، مشخصات آب و هوایی و اقلیم خلیج فارس است، از جمله موارد دیگری که در این فصل مورد پژوهش قرار گرفته است؛ رودخانه‌هایی

سراسر کناره‌ی غربی خلیج فارس را شبه جزیره‌ی عربستان در بر گرفته است که خود تحت حاکمیت‌های مختلف و نابرابر قرار دارد. کویت با ۱۱۵ مایل ساحل و پس از آن در امتداد جنوب، عربستان سعودی با ۲۶۹ مایل ساحل و در عرض سواحل عربستان مجمع الجزایر بحرین قرار گرفته است و پیوسته به آن ساحل امارات متحده‌ی عربی به طول ۴۲۰ مایل ادامه دارد.

ایرج افشار موقعیت مکانی و جغرافیایی خلیج فارس را به صورتی دقیق‌تر و روشن‌تر به این صورت شرح داده که «خلیج فارس از پیوستن‌گاه کارون و اروند رود، یعنی از بندرهای خرمشهر و بصره گرفته تا تنگه هرموز، یعنی تا آب‌های خاور جزیره‌های هرموز و لارک و رأس مُسندام در شمال عمان کشیده شده است، با ۲۲۶ هزار کیلومتر مربع پهنه، در جنوب باختری آسیا بین ۲۳ الی ۳۰ درجه پهنا‌ی شمالی و ۴۸ الی ۵۶ درجه درازای خاوری قرار گرفته است. پهنا‌ی آن ۱۸۵ تا ۳۳۳ کیلومتر است و درازای کرانه‌اش از دهانه‌ی فاو تا بندر عباس ۱ هزار و ۳۷۵ کیلومتر است. ژرفای خلیج فارس به ندرت از ۷۳ تا ۹۲ متر افزایش می‌یابد و میانگین ژرفای آن ۲۵ تا ۳۵ متر است، که در دهانه‌ی تنگه‌ی هرموز به پیش از ۱۰۰ متر می‌رسد، از این رو تمامی خلیج فارس یک فلات قاره را تشکیل می‌دهد.» (همان، ص ۲۶ و ۲۵)

ویژگیهای اقلیمی، رودخانه‌ها و منابع آبی خلیج فارس از دیگر موضوعاتی است که در فصل اول کتاب حاضر، مطرح و به صورت گسترده مورد بررسی قرار گرفته‌اند. آب و هوای خلیج فارس گرم و مرطوب است. درجه‌ی حرارت در تابستان ۳۲ تا ۳۴ درجه‌ی سانتیگراد و در زمستان در شمال ۱۵ و در تنگه هرموز ۲۱ درجه‌ی سانتیگراد بوده است، و در ژرفای ۲۰ تا ۴۰ متری، دمای آب ۲۱ درجه است. خلیج فارس در منطقه‌ی فوق حاره‌ای نیمکره‌ی شمالی واقع شده و

است که به خلیج فارس می‌ریزد، رودخانه‌های معروفی که از ایران و عراق جاری شده و در نهایت وارد دریای پارس می‌شوند، رودخانه‌های بزرگ و معروفی همچون کارون، دز، کرخ، دویرج و می‌مه، میناب شور، زهره، جراحی داکلی، فرات و... در ادامه‌ی این فصل پوشش گیاهی و تنوع جانوری خلیج فارس نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

خلیج فارس ۲۵۰ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد و در جهت شمال غربی به جنوب شرقی امتداد یافته است. طول خلیج فارس ۵۰۰ مایل و عرض آن بین ۲۶ مایل تا ۲۰۰ مایل، در تنگه‌ی چابهار متفاوت است. خلیج فارس عمق چندانی ندارد و در ژرف‌ترین نقطه به ۱۶۰ متر هم نمی‌رسد. عمیق‌ترین قسمت‌های آن در کناره‌های شرقی، جنوب شرقی و بخش جنوبی تنگه‌ی هرموز، واقع شده‌اند.

خلیج فارس بازمانده‌ی گودال بزرگی است، که در دوران‌های گذشته‌ی زمین‌شناختی، فشار آتشفشان‌های فلات ایران و پایداری فلات عربستان در برابر این واکنش‌های تکتونیکی، سبب ایجاد و توسعه پهنا و ژرفای آن شده است.

خلیج فارس حوضه‌ی کشیده‌ای است، که در تنگه‌ی هرموز به دریای آزاد مکران یا دریای عمان می‌پیوندد و بین بلوک غربی و رشته کوه‌های زاگرس قرار گرفته است. کشیدگی این حوضه به دلیل ساختمان زمین‌شناختی، یعنی جایگاه ناودیس‌ی آن است، به طوری که محور آن در دوره‌ی ژوراسیک و کرتاسه، در راستای زاگرس کنونی قرار داشته، ولی بعدها اندک اندک به سوی جنوب باختر تغییرمکان داده است. (ایرج افشار، ۱۳۸۶، ص ۲۱)

اطراف خلیج فارس را هشت کشور فرا گرفته‌اند. تمامی کناره‌ی شرقی آن تا مصب شط العرب در منتهی الیه شمال، به طول ۶۳۵ مایل به ایران تعلق دارد. در عراق دارای ساحلی به طول تقریبی ۱۰ مایل است.



و مواد آویزان زیادی به بستر خود در خلیج فارس می‌برند. پیشروی خاک در آب را، می‌توان در هر سال ۵۰ متر تخمین زد. در این نواحی شیب زمین اندک است و از این جهت دستخوش موج‌های شدید است. اروندرود، کارون، کرخه، دیاله، زاب، جراحی، مُند، دالکی و میناب بزرگ‌ترین و پرآب‌ترین رودهایی هستند که به خلیج فارس می‌ریزند. (حافظ نیا، ۱۳۷۱، ص ۱۷)

خلیج فارس ۶۲ درصد آب‌های سطح کره‌ی زمین را شامل می‌شود. آب خلیج فارس از دیگر دریاها شورتر است، چون آب رودهایی که به آن می‌ریزند نمک و املاح دارد و تبخیر آن نیز، بیش از آب دریافتی از باران و رودهاست.

سرآرنولد ویلسن مؤلف کتاب «خلیج فارس» در مقدمه کتاب خود آورده است: «شوری آب خلیج فارس نسبت به سایر دریاهای داخل خشکی کمتر است و مخصوصاً آب آن در فصل تابستان شیرین‌تر از زمستان است زیرا اولاً رودخانه‌های معظم بین‌النهرین مقادیر هنگفتی آب شیرین وارد آن می‌کنند و ثانیاً امواج خارجی اقیانوس به واسطه تنگی مدخل خلیج که به شکل گلوی بطری است، داخل آن نمی‌گردد.» (سرآرنولد ویلسن، ۱۳۶۶، ص ۱۱ و ۱۲)

فصل دوم؛ سواحل و جزایر خلیج فارس: «سواحل و جزایر خلیج فارس» فصل دوم کتاب «جغرافیای خلیج فارس» را به خود اختصاص داده که حجم عمده‌ای از کتاب نیز مربوط به همین قسمت است، به طور کلی در این فصل مؤلف به معرفی و بررسی ویژگی‌های سواحل خلیج فارس در ایران و دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌پردازد و از سوی دیگر جزایر رسوبی و مرجانی متعلق به هر یک از این کشورها را معرفی می‌نماید.

از میان ۸ کشوری که با خلیج فارس دارای خطوط تماس و مرز آبی

به واسطه‌ی آنکه عوامل دیگری چون ارتفاعات و پستی و بلندی نقش تغییردهندگی و تعدیلی چندانی در این منطقه ندارد، از این رو خصوصیات مناطق فوق حاره‌ای در این ناحیه بروز کرده است. به این معنی که عملاً در ناحیه‌ی فوق بیشتر از دو فصل در سال محسوس نیست: یکی زمستان نسبتاً خنک شامل آذر، دی، بهمن و دیگری تابستان که بقیه ماه‌های سال را شامل می‌گردد.

بهار در این منطقه بسیار زودگذر، کوتاه و غیرقابل توجه است. به دلیل آن که کمربند مذکور دقیقاً روی مراکز فشار زیاد عرض‌های متوسط قرار گرفته، تنها در فصل زمستان که محور این مراکز فشار به خطوط و مدارهای پایین‌تر رانده می‌شود. جابه‌جایی این محور، پدیده‌های جوی همانند ابر و باران را به همراه دارد. با شروع فصل گرم یا تابستان و استقرار کامل فشار زیاد عرض‌های متوسط، دمای منطقه به شدت افزایش می‌یابد. بروز مه و نِرم، که از لحاظ کشتی‌رانی و عملیات نظامی اهمیت دارد، از ویژگی‌های اقلیمی خلیج فارس است. (همان، ص ۲۸)

مؤلف معتقد است ایران به واسطه‌ی داشتن بیش از ۱۳۰۰ کیلومتر سواحل شمالی خلیج فارس و دریای عمان از مهم‌ترین کشورهای تأمین‌کننده منابع آبی خلیج فارس است. در حقیقت سطح وسیعی از این سرزمین در حیطه‌ی حوزه آبرگیر خلیج فارس محسوب می‌شود. به طور کلی چیزی حدود ۲ میلیارد متر مکعب سطح حوضه‌ی آبرگیر، در سال باران دارد که بیشترین آن مربوط به زمستان و بهار است. چنین وضعیتی سبب شده که در تمامی فصول سال، جریان‌های دائمی به سمت خلیج فارس در جریان باشند. از جریان‌های دائمی که بگذریم تعداد بی‌شماری از جریان‌های سیلابی و فصلی نیز وجود دارد، که مقادیر متناهی آب وارد خلیج فارس می‌سازند.

رودهایی که به خلیج فارس می‌ریزند بیشتر از نواحی خشک می‌گذرند



ورود ایرانیان به خلیج فارس به همراه بررسی چگونگی تشکیل و رشد اندیشه‌های پان عربیسم و پان اسلامیسیم؛ اصلیت‌ترین عناوین فصل سوم را تشکیل می‌دهد.

از آنجا که پژوهش علمی درباره‌ی ریشه‌های نام‌گذاری دریاچه‌ها، دریاها و خلیج‌ها سبب می‌شود تا بخشی از گذشته جغرافیایی، تاریخی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نواحی کرانه‌ای ایران آشکار گردد؛ از این رو برای دست یافتن به این ریشه‌یابی، بررسی و پژوهش در این زمینه ضروری و لازم است. بنابر نظر ایرج افشار: «آب‌های منطقه جنوبی ایران از ۲ هزار و ۵۰۰ سال پیش، خلیج فارس یا دریای پارس نام داشت و خلیج عربی به دریای سرخ اطلاق می‌شده است. این نام‌ها را نخستین بار رومی‌ها و یونانی‌ها بر این دو دریا نهاده‌اند و ایرانیان و عرب‌ها در این نام گذاری دخالتی نداشته‌اند.» رومی‌ها و یونانی‌های باستان، در پیوندهای دریایی و سیاسی خود با ایران، به دلیل بزرگی و پیشرفت سرزمین آبادان پارس بود، که برای نخستین بار دریای جنوب ایران را بدان وابسته و نام نهادند. چنان‌که بزرگی و توانمندی سرزمین پارس نیز دلیلی در نام گذاری دریای پارس است. بدین ترتیب در این نامگذاری نه تنها ریشه‌ی ملی و نژادی و عامل ایرانی یا عربی دخالت نداشته است، بلکه بیان درستی بوده، که از زبان و توسط جغرافیانگاران و دانشمندان آن روزگار عنوان گردیده و در تمامی دوران‌های پیشین پذیرفته شده است. جغرافیادانان عرب و مسلمان، این نام‌ها را از رومیان و یونانیان آموختند و در آثار خود به کار بردند، به ویژه که دریای پارس را با هم «خلیج فارس» یاد کرده‌اند. (ایرج افشار، ص ۱۷۷) نام خلیج فارس در تمام زبان‌های زنده‌ی عالم رسوخ و گسترش پیدا کرده و بطور کلی جای ترکیب قدیمی «بحر فارس» را گرفته است چنان‌که: در انگلیسی^۲ Persian Golf در فرانسه Golf Persique در فارسی خلیج فارس، در روسی

هستند، (ایران، عراق، کویت، عربستان، بحرین، قطر، امارات متحده، عمان) تنها در سه کشور ایران، عربستان و عمان معبر دریایی و ممر دیگری برای آن‌ها وجود دارد که می‌توانند توسط آن از طریق آب‌های آزاد با دنیای خارج خود ارتباط برقرار کنند.

بنابراین پنج کشور دیگر خلیج حیاتشان به خلیج بستگی دارد. با این حال به غیر از عمان بزرگ‌ترین و حیاتی‌ترین بنادر عربستان و ایران، در حوزه‌ی خلیج فارس واقع شده‌اند. با این اوصاف می‌توان اهمیت ارتباطی و دریایی خلیج را تا حدی در ذهن تصویر نمود. اهمیت خلیج فارس به چهار عامل ذیل مربوط می‌شود: ۱- موقعیت جغرافیایی؛ ۲- ذخایر عظیم نفت و گاز؛ ۳- بازار مصرف؛ ۴- نقش ایدئولوژیکی و فرهنگی.

مهم‌ترین بندرهای خلیج فارس عبارتند از: خرمشهر، آبادان، امام خمینی، ماه شهر، هندیجان، ریگ، دیلم، گناوه، بوشهر، دیر، کنگان، طاهری، عسلویه، مقام، نخیلو، چیرویه، کلات، چارک، حسینه، مغویه، شناس، بستانو، لنگه، کنگ، معلم، خمیر، شهید رجایی، بندرعباس، بصره، کویت، رأس الخیمه، دویی، شارجه، ابوظبی، دوحه و... (ایرج افشار، ۱۳۸۶، ص ۲۹)

از سوی دیگر خلیج فارس برخوردار از جزایر نامدار و گمنامی است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتست از: بونه، دارا، قبرناخدا، می‌نوام الکریم، جبرین، خارگ، خارگو، خان، شیخ کرامه، شیف، عباسک، فارسی، عربی، گرم، متاف، نخیلو، بوموسی، تنب بزرگ، تنب کوچک، سری یا سوری، شتوار، شیخ اندرابی، فارور، فارورگان، قشم، کیش، لاوان، هرموز، هندرابی، بحرین و... (همان، ص ۲۹) این جزایر غالباً یا رسوبی، یا مرجانی یا ساختمانی‌اند.

فصل سوم: تاریخ سیاسی و انسانی کشورهای خلیج فارس: کنکاش در پیشینه‌ی تاریخی نام‌گذاری خلیج فارس، موقعیت سوق‌الجیشی آن و



ایران به واسطه‌ی داشتن بیش از ۱۳۰۰ کیلومتر سواحل شمالی خلیج فارس و دریای عمان از مهم‌ترین کشورهای تأمین کننده منابع آبی خلیج فارس است. در حقیقت سطح وسیعی از این سرزمین در حیطه‌ی حوزه آبخیز خلیج فارس محسوب می‌شود

بیشترین اهمیت تجارتي و تبادل کالا و ادویه داشت برای غرب مطرح نبود، بلکه این ناحیه را تنها منبع سرشار جهت تغذیه و رشد صنایع خود می‌دانستند، و از این رو همه‌ی طرف‌های تجارت خارجی از فرانسه گرفته تا هلند و بلژیک و آلمان با جدیت تمام سعی داشتند حضور فیزیکی خود را در خلیج فارس بیشتر نمایند. این رقابت‌ها رفته رفته سبب بروز سیاست‌های مدون دول استعمارگر و برنامه‌ریزی درازمدت برای نفوذ هر چه بیشتر در این منطقه گردید.

فصل چهارم؛ ویژگی‌های اقتصادی خلیج فارس: مؤلف فصل پایانی کتاب را به بررسی ویژگی‌های اقتصادی خلیج فارس اختصاص داده، ویژگی‌هایی که قاعدتاً برای خلیج فارس منحصر به فرد خواهد بود. ویژگی‌هایی از جمله حوزه‌های نفتی در خلیج فارس، صدف و مروارید، معادن خلیج فارس، کشاورزی و گردشگری در خلیج فارس و... مؤلف در این فصل به نگارش در این زمینه‌ها پرداخته و در این بررسی نیم‌نگاهی به عوامل طبیعی و عوامل انسانی که به عنوان تهدید یا فرصت در منطقه‌ی خلیج فارس به شمار می‌روند داشته است. به عقیده‌ی نویسنده اشکال سواحل، عمق آب و وجود سواحل مرجانی از معایب و دافعه‌های طبیعی اقتصاد خلیج فارس به شمار می‌رود و از سوی دیگر حوزه‌های نفتی خلیج فارس از جمله مهم‌ترین جاذبه‌های اقتصادی این منطقه است. هیچ دریای دیگری نیست که بیش از خلیج فارس توجه علمای معرفه الارض و باستان‌شناس و مورخین و جغرافیا نویسان و سیاستمداران و جنگجویان را مشترکاً بخود معطوف ساخته باشد. سرگذشت حوادث خلیج به قدیم‌ترین ازمته‌ی تاریخی می‌رسد و ذکر آن در تاریخ مکتوب بشری مقدم بر تمام دریاهای دیگر آمده است. موقع مرکزی آن در یکی از مهم‌ترین جاده‌های میان شرق و غرب از ابتدای شروع تاریخ اهمیت خاصی بدان داده است. در حینی که هنوز آب‌های دریای مدیترانه با حرکت کشتی‌ها شیار نشده بود، حوادث معظمی در صحنه‌ی خلیج اتفاق می‌افتاد که در سیر تکامل‌نژاد بشر اهمیت فوق‌العاده داشت. مکتوبات و مؤلفات بیشماری که به ده زبان مختلف راجع باین دریا موجود است بخوبی گواهی می‌دهد که ملل اروپایی از زمان‌های خیلی قدیم نسبت به آن علاقه‌مند بوده‌اند. سیاحان پرتغالی در قرن شانزدهم و کمپانی‌های انگلیسی و فرانسوی و هلندی در قرون هفدهم و هجدهم سعی می‌نمودند که به زور یا به وسائل دیگر تجارت انحصاری خود را بر آب‌های خلیج فارس مسلط سازند و سایر رقبا را از میدان بیرون کنند (سرآرنولد ویلسن، ۱۳۶۶، ص ۹)

شاید اگر نفت در این ناحیه وجود نمی‌داشت، هرگز بنادر مدرن و

Persidski Zaliv در ترکی Farsi korfozi در ژاپنی Perusha wan و بهه همین نسبت با اندک تغییری در تقدم و تأخر اجزای ترکیب، در همه زبان‌های دنیا جای دارد. (پیروز مجتهدزاده، ۱۳۵۴، ص ۴۸)

در آثار عرب زبان نیز بحر فارس قدیم جای خود را به الخلیج الفارسی امروز داده و در آثار پر اهمیتی که در این قرن به زبان عربی تألیف و چاپ و منتشر شده است ترکیب بحر فارس به دست فراموشی سپرده شده و در بیشتر آن‌ها ترکیب الخلیج الفارسی در انتساب این دریا به سرزمین فارس به کار گرفته شده است. چنانکه دانشمند شهیر عرب، جرجی زیدان در صفحه ۴۳ جلد دوم از کتاب پر ارزش تاریخ التمدن الاسلامی، ضمن بیان ابعادی که بحر فارس در نظر جغرافیا نویسان قدیم داشت، استفاده از آن ترکیب را به قرون سوم، چهارم، پنجم و ششم هجری منتسب دانسته و تعبیر امروزی نام دریای جنوب ایران را خلیج فارس می‌داند. (همان، ص ۴۸)

در تکمیل گفته‌های بالا باید اضافه کرد که نام جاوید خلیج فارس در همه‌ی زبان‌های زنده‌ی دنیا از دیر زمان تا کنون پذیرفته شده و همه‌ی کشورهای جهان، این دریای ایرانی را به زبان خود، خلیج فارس می‌خوانند و بدون آنکه، هم‌کیشان عرب‌نژاد ما، در نامیدن خلیجی به نام خود، نیاز به تغییر نام خلیج فارس باشد. از ۲ هزار و ۵۰۰ سال پیش، خلیجی به نام ایشان، که در حال حاضر «بحر احمر» نام دارد، در آثار جغرافیایی و تاریخی پیشین آمده است و به کار بردن نام خلیج عربی برای دریای سرخ، دیرین‌تر از نامیدن خلیج فارس بوده است. (ایرج افشار، ۱۳۸۶، ص ۱۷۷)

از دیدگاه نویسندگان، خلیج فارس همواره از موقعیت سوق الجیشی خاصی برخوردار بوده است که باعث شکل‌گیری نوع خاصی از مناسبات سیاسی - اقتصادی دول غربی با کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌شد. از نظر مؤلف خلیج فارس محل مبادله‌ی کالا و تجارت میان شرق و غرب بوده و مطمع مغتنمی برای قدرتهای بزرگ سیاسی به شمار می‌رفته، همواره صحنه‌ی رقابت و منازعات گسترده بوده است. ابتدا سیاحان پرتغالی، سپس کمپانی‌ها و کشورهای هلند، انگلیس و فرانسه در قرن هفدهم و هجدهم یکی پس از دیگری به غلبه و تهاجم و گاه نیز به بهانه‌ی تجارت سعی می‌نمودند منافع استعماری خود را در خلیج فارس تأمین کنند و تسلط سیاسی خویش را در این منطقه حفظ نمایند. در این میان خلیج فارس صحنه‌ی رقابتی ویرانگر بود. رفته رفته دول استعمارگر به قصد گسترش و تحکیم موقعیت خود با حکام محلی به زد و بندهای سیاسی پرداختند.

از این زمان به بعد خلیج فارس دیگر به عنوان یک معبر دریایی که

خلیج فارس همواره از موقعیت سوق الجیشی خاصی برخوردار بوده است که باعث شکل‌گیری نوع خاصی از مناسبات سیاسی - اقتصادی دول غربی با کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌شد و مطمع مغنمی برای قدرتهای بزرگ سیاسی به شمار می‌رفته است

خلیج فارس

کتاب، و رفع آن‌ها از سوی نویسندگان محترم در چاپ‌های بعدی، اثر غنی‌تر گردد.

۱- کتاب حاضر فاقد مقدمه است و تنها با یک پیش‌گفتار وارد متن اصلی می‌شود، آن هم پیش‌گفتاری که در باب جغرافیا و جغرافیای سیاسی است. مؤلف از اهمیت این دانش سخن رانده و از ارتباط جغرافیای سیاسی با سیاستمداران حرف می‌زند اما در این پیش‌گفتار کوچک‌ترین اشاره‌ای به موضوع مورد بحث یعنی خلیج فارس نمی‌شود که قاعدتاً غفلت نویسندگان برای خواننده تعجب بر انگیز خواهد بود.

۲- نارسایی مفهوم و عدم ترکیب درست جملات و عبارات از دیگر معایب این تحقیق بشمار می‌آید که باعث اطناب و سردرگمی خواننده می‌شود و ارزش علمی پژوهش را نیز تقلیل داده است.

۳- تحلیل در گزارش‌های تاریخی کتاب به چشم نمی‌خورد. نویسنده صرفاً گزارشگر حوادث و روایات تاریخی از کتب کلاسیک تاریخی است؛ به خصوص در فصل سوم که بحث از پیشینه‌ی تاریخی نام‌گذاری خلیج فارس است.

کتاب‌نامه

- افشار سیستانی، ایرج. نام خلیج فارس (بر پایه‌ی اسناد تاریخی و نقشه‌های جغرافیایی)، چاپ سوم، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶.
- اقتداری، احمد. خلیج فارس، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۴۵.
- امیرابراهیمی، عبدالرضا. خلیج فارس، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، بی‌تا.
- حافظ نیا، محمدرضا. خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرموز، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۷۱.
- مجتهدزاده، پیروز. جغرافیای تاریخی خلیج فارس، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۴.
- ویلسن، سرآرنولد. خلیج فارس، ترجمه‌ی محمد سعیدی، چاپ دوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶.
- اطلس نقشه‌های جغرافیایی و اسناد تاریخی درباره خلیج فارس از ماقبل تاریخ تا زمان حاضر، تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، ۱۳۴۹.

پی‌نوشت

۱. تصاویر و نقشه‌ها برگرفته از کتاب «اطلس نقشه‌های جغرافیایی و اسناد تاریخی درباره خلیج فارس از ماقبل تاریخ تا زمان حاضر» چاپ موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب است.
۲. معادل انگلیسی خلیج که املا‌ی صحیح آن بصورت Gulf است در متن کتاب مذکور بصورت Golf آمده است و بدلیل رعایت موازین پژوهشی به همان صورت ذکر شد

پروونقی در این ناحیه بر پا نمی‌شد. به هر حال اهمیتی ترابری دریایی خلیج بیشتر به واسطه‌ی تأمین و صدور نفت مورد نیاز دنیای خارج از حوزه است.

نویسنده هنگام ذکر اهمیت حوزه‌های نفتی و معادن خلیج فارس توجه خاصی به موقعیت بسیار نظامی و استراتژیک این خلیج می‌کند و وجود تنگه‌ی هرموز را به لحاظ سیاسی - نظامی یک فرصت همراه با تهدید برای کشورهای حاشیه خلیج فارس به شمار می‌آورد.

ذخایر نفت خلیج فارس طبق برآورد سال ۲۰۰۲، ۵۶۵ میلیارد بوده است که ۶۳ کل ذخایر نفتی جهان به شمار می‌رفته است. و ذخایر گاز طبیعی منطقه تا ۲۱ میلیون متر مکعب بر آورد شده است که ۳۰ کل ذخایر گاز طبیعی جهان است. این ذخایر در سال ۲۰۰۴ بالغ بر ۶۰۰ تا ۶۷۳ و ۵۸۴ تا ۶۹۰ میلیارد بشکه بر آورد شده است.

ایران با دارا بودن بیش از ۹۰ میلیارد بشکه ذخایر نفت تا سال ۱۳۷۹ و معادن بیش از ۱۴ تریلیون متر مکعب گاز طبیعی یکی از مهم‌ترین کشورهای منطقه خلیج فارس از نظر منابع انرژی محسوب می‌شود. آخرین آمارها از ذخایر نفت ایران در سال ۱۹۹۹ بالغ ۱۰۴/۸۶ میلیارد بشکه و ذخایر گاز آن ۱۷۰۰۰ تا ۲۱۰۰۰ میلیارد متر مکعب است.

از دیگر ویژگی‌های اقتصادی خلیج فارس مروارید و صدف است که مؤلف به آن‌ها اشاره نموده است. در آب‌های گرم خلیج و پیرامون جزایر در صدف‌های رنگارنگ و زیبای آن گوهری بی‌نظیر به نام مروارید نهفته است. مروارید آب‌های خلیج فارس، شهرت و جذابیت خاصی دارد و با رنگ‌های مختلف و بقاء عمر و درشتی از نوع بهترین مرواریدهای دنیاست. همچنین صدف‌هایی که در پیرامون خلیج فارس صید می‌شوند، به علت تنوع رنگ و زیبایی، دارای ارزش بسیاری است. همه ساله بسیاری از این صدف‌ها به صادر کنندگان فروخته می‌شود و در خارج به انواع آلات تزئینی و گران قیمت تبدیل می‌شود. مؤلف در ادامه با نام بردن از معادن گوناگون در خلیج فارس و سپس بحث از محیط زیست و آلودگی‌های زیست محیطی خلیج فارس کتاب را به پایان می‌رساند.

نقد و ارزیابی

هر تحقیق و پژوهشی در عین ارزش علمی، دارای معایبی نیز هست که رفع آن‌ها می‌تواند به غنی شدن اثر منجر شود. کتابی که به معرفی آن پرداختیم نیز، از این قاعده مستثنی نیست. ضمن قدردانی از زحمات مؤلفین، به نظر می‌رسد با ذکر چند مورد از معایب ظاهری و محتوایی